

پس از گذشت بیش از چهل روز جسد تاجر نفتی پیدا شد

چه کسی از مرگ عباس یزدان پناه سود می برد



Briton 'killed by hitmen' after fraud squad gave secrets to Iran

قراردادهای توتال نیز مشاهده کرد. فرض را بر این می توان گذاشت حذف یک منبع با این حجم اطلاعات در خصوص رانت های احتمالی، روابط بین شرکت ها و قراردادهای پشت پرده آن هم در دوره ای که بار دیگر تام بیژن نام دار زنگنه به عنوان وزیر نفت مطرح می شود می تواند یکی از گروه هایی که چندان از نبود این مجموعه اطلاعات متأسف نباشد همین گروه نفتی است. (رجوع شود به زیر نویس) از ماهیت رابطه نامدار زنگنه و عباس یزدان پناه اطلاعی در دست نیست، اما بی شک رابطه یزدان پناه با مهدی هاشمی تا روز بیست و پنجم ماه ژوئن ۲۰۱۳، ساعت ۵ دقیقه نیز ادامه داشته است. گروه رسانه های حقوق بگیر که شاید دیگر نبود او برای شان بهتر باشد

ریوده شدن، او بر روی ایمیل اش نیز آنلاین می شده که بعد دیگر به قولی چراغش روشن نشده است. نکته قابل توجه این که از ابتدای انتشار خبر ریودن شدن این مهره کلیدی در پرونده های آستات اوایل و کرسنت، اکثر رسانه های فارسی، به خصوص بی بی سی فارسی نسبت به آن روی گرد سکوت را اتخاذ کردند. اما بگذارید برویم سراغ این که فارغ از آن که چه کسی یا کسانی درگیر ریودن و از میان بردن آقای یزدان پناه بوده اند، چه کسانی از نبودن این تاجر نفتی بهره می بردند. کسانی که اطلاعات آقای یزدان پناه در خصوص پرونده کرسنت می توانسته به نفع شان تمام نشود، نباید فراموش کرد که عباس یزدان پناه در دادگاه لاهه به صورت ویدیویی در جلسه اول حاضر شده بوده و بنا بر گفته

محل اختفای همسر شما معلوم نیست اما ما می دانیم که او زنده است... اما عباس یزدان پناه مقتود می شود. همسر او می گوید که عباس یزدان پناه برای تسویه حساب با مهدی هاشمی ریوده شده است و بیشتر از داخل ایران دوستانی به آن ها هشدار داده بودند. پلیس دبی کار را تعقیب می کند و موضوع از جهت اهمیت کار به امن الدوله - بالاترین دست گاه امنیتی امارات - سپرده می شود. پس از نزدیک به دو هفته از سوی این سازمان به آتنا یزدی همسر آقای یزدان پناه گفته می شود؛ اگرچه محل اختفای همسر شما معلوم نیست اما ما می دانیم که او زنده است... این نشان می دهد آقای یزدان پناه دست کم تا دو هفته بعد از ریوده شدن زنده بوده است. کما این که خانم یزدی در مصاحبه ای با رادیو کوچه اشاره کرد که تا چند روز بعد

افشین مصیب

در حالی که از بیست و پنجم ماه ژوئن، عباس یزدان پناه تاجر انگلیسی ایرانی تبار در برابر دفترش در بر بی ریوده شد بیش از چهل روز می گذرد. خبرها حاکی از یافتن جسد این تاجر ایرانی - انگلیسی است. گفته می شود جسد وی در قجیره جایی که پیشتر گفته شده بود اتومبیلی که در آن آثار خون یافت شده بود و با آن وی را ریوده بودند نیز پیدا شده است.

در پی این رخداد یک سوال اساسی به وجود می آید، چه کسی یا کسانی از مقتود یا سر به نیست شدن عباس یزدان پناه سود خواهند برد؟

شاید برای رسیدن به ابعاد مختلف این ماجرا باید کمی به عقب تر باز گردیم. به زمانی که آقای یزدان پناه توسط وزارت اطلاعات به جرم 'جاسوسی' در سال ۱۹۹۳ دست گیر و به اعدام محکوم شد. او در دادگاه تجدید نظر به حبس بلند مدت محکوم شد که در نهایت با قید وثیقه از زندان آزاد و سپس با پاسپورت جعلی توانست از کشور خارج شده و به انگلیس برود. از آن جا بود که نام آقای یزدان پناه بیشتر شنیده شد. قراردادهای نفتی کلان وزارت نفت و شرکت های نفتی خارجی که او نیز در انجام این قرارداد ها سهم داشت. پلیس دبی کار را تعقیب می کند و موضوع از جهت اهمیت کار به امن الدوله - بالاترین دست گاه امنیتی امارات - سپرده می شود. پس از نزدیک به دو هفته از سوی این سازمان به آتنا یزدی همسر آقای یزدان پناه گفته می شود؛ اگرچه

اگر چه نمی توان به طور مشخص گفت چه رسانه ها و افراد رسانه ای در راستای منافع مشترک با آقای یزدان پناه ارتباط داشته اند اما بنا بر آن چه موجود است دست کم یک خبرگزاری و دو سایت خبری در این مدت اخبار خود را در خصوص آقای یزدان پناه حساب شده منتشر می کرده و یا در اساس منتشر نمی کردند. به طور مثال یکی از خبرگزاری ها علی رغم نزدیکی

همسرش باید در روز ۲۶ ژوئن نیز با مدارکی تازه به عنوان شاهد حضور می یافته است. به راستی چقدر اطلاعات آقای یزدان پناه می توانسته مهم باشد که اگر این اطلاعات در پرونده ای که نزدیک به ۱۲ سال مفتوح و در رفت و آمد است مطرح می شد می توانست روند دادگاه را تغییر دهد؟ این در حالی است که شرکت اماراتی کرسنت شرکتی پر قدرت

است که علی‌رغم آن که یک عراقی تبار گرداننده آن است اما گفته می‌شود عمده سهام آن متعلق به خانواده سلطنتی امارات است.

پیشتر مطرح بود که این شرکت تعداد بسیاری از افراد را در وزارت نفت جمهوری اسلامی به اشکال مختلف همراه خود کرده است.

آن چه که مسلم است با توجه به رابطه آقای یزدان پناه در شبکه نفتی ایران و از جمله شاید کمی هم قربایت، چرا که مهدی

حسینی از مدیران شرکت نفت گفته می‌شود نسبت فامیلی هم با وی داشته است، او با توجه به ارتباط دراز مدت در حوزه نفت و گاز می‌توانسته اطلاعات کاملی از همه دست اندر کاران داشته باشد عباس یزدان پناه از مجموعه قراردادهای ریز و درشت نفتی با خبر بود:

آن چه که مسلم است با توجه به رابطه آقای یزدان پناه در شبکه نفتی ایران و از جمله شاید کمی هم قربایت، چرا که مهدی

حسینی از مدیران شرکت نفت گفته می‌شود نسبت فامیلی هم با وی داشته است، او با توجه به ارتباط دراز مدت در حوزه نفت و گاز می‌توانسته اطلاعات کاملی از همه دست اندر کاران داشته باشد.

اطلاعاتی که می‌توانست برای بسیاری در حوزه پرمجارای نفت همیشه اهرم فشار و یا 'برگ برنده' محسوب شود.

اگرچه دانسته‌های وی فقط محدود به این دو پرونده گرسنت و استات اوایل نبوده است و حضور او را می‌توان در دیگر موارد نظیر

جغرافیایی به جریان ریودن آقای یزدان پناه در طول چهل روز گذشته در حد هشت کلمه به جریان پرداخت.

آن چه قابل طرح است این موضوع است که شاید برخی از افراد در حوزه‌های کلیدی رسانه‌ای با تصور هم‌سویی و اشتراک منافع معنوی یا مادی دست به همراهی می‌زدند و یا به طور مشخص افرادی حقوق بگیر مستقیم آقای یزدان پناه بودند که به مرور می‌توانست مطرح شدن این موضوع یا افزایش خواسته‌های او یک نگرانی بزرگ باشد و اینک پس از سکوت همیشه‌گی عباس یزدان پناه این تشویش رنگ آرامش به خود خواهد گرفت. به روایتی نه کسی آمده است، نه کسی رفته است.

بسیاری در خصوص این فرایند رسانه‌ای نظرهایی داشتند که به طور مشخص فقط با توجه به برون‌ده این رسانه‌ها می‌توان احساس کرد عمل کرد آن‌ها در خصوص پرونده‌های نفتی و مسایل حول محور مهدی هاشمی و یزدان پناه حساب شده منتشر می‌شده است.

البته گفته می‌شود ارتباط آقای یزدان پناه با یک رسانه فارسی بعد از انتخابات ۱۳۸۸ آغاز نشد و به قبل از آن نیز بر می‌گردد. شاید به همین دلیل بود که در سال ۲۰۰۳ این رسانه فارسی آخرین رسانه‌ای بود که به پرونده استات اوایل پرداخت و آن هم بدون کوچک‌ترین اشاره به نام عباس یزدان پناه پرداخت.

چه کسی از مرگ

اما روایت است بعد از انتخابات ۸۸ و با پیوستن نیروهای جوان از ایران و به خصوص تیم یکی از مجلات داخل به به این رسانه فارسی زبان. این ارتباطات ابعاد خیلی وسیع تری پیدا کرد.

آیا سازمان امنیت انگلیس درباره آقای یزدان پناه نگرانی داشته است؟

در گزارشی که گاردین منتشر کرد اشاره شد که سازمان تخلف های تجاری انگلیس SFO در ماه می گذشته اطلاعات زیادی در اختیار سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی قرار داده است.

اطلاعاتی که از طریق بازجویی و یا منابع دادگاهی بریتانیا در خصوص عباس یزدان پناه به دست آمده است. اما منبع های خبری کوچک تاکید می کنند این اطلاعات فقط محدود به مدارک و شواهد بازرگانی و مالی او نبوده است. دولت انگلیس تا شماره اتومبیل های نامبرده، شماره تلفن همراه خانواده و آدرس های او را در دبی نیز در اختیار دولت ایران و یا به روایتی دست گاه های امنیتی قرار داده است. چرا باید در دوره ای که سطح روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلیس در پایین ترین حد ممکن است، دولت بریتانیا این اطلاعات را در اختیار کشوری دیگر که با آن رابطه دیپلماتیک بیلتکلیف دارد بگذارد؟

آیا دولت بریتانیا هم مایل بود آقای یزدان پناه از صحنه پاک شود؟ لازم به توضیح است با توجه به نوشته اخیر خلیج تایمز آقای یزدان پناه قصد شکایت از سازمان SFO را نیز داشته است. بی شک انگشت نشانه از ابتدای

داشته اند. البته گفته می شود در سال ۱۹۹۳ دل خوری بین این دو دوست قدیمی به وجود آمده بوده است. اما بعد ها این ارتباط کمافی سابق ادامه پیدا می کند.

در آن زمان شایع شد که آقای یزدان پناه در لندن یک منزل دو میلیون پوندی خریداری کرده و بر سر مسایل مالی بین او و مهدی هاشمی اختلاف رخ داده، تا جایی که حسین یزدان پناه برادر او در ایران به دوستانش گفته بود که مهدی او را حتی تهدید به مرگ کرده است. اما بعد میانه بهم خورده به آشتی می انجامد و به هر روی رابطه این دو دوست دوران نوجوانی در ابعاد مختلف ادامه می یابد. محصل این آشتی دوباره، دو قرارداد چتجالی شد که پای یک بازی گر مهم دیگر را نیز به این روابط گشود: بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت دولت محمد خاتمی و حسن روحانی. گروهی ممکن است به این فرضیه بیانیدشدند که هاشمی می توانسته از حذف عباس یزدان پناه خوشحال باشد. چرا که او دانسته های بسیاری از روابط و فعالیت های او داشته است. اما سوال این است اگر این اطلاعات نگران کننده بوده است، چرا الان؟ آیا مهدی هاشمی می توانسته در این بازی تا این حد ناشیانه عمل کند؟

آن ها که از به گردن مهدی هاشمی افتادن این ماجرا سود می برند، اما گروه دیگری نیز می توانند از این ماجرا بهره ببرند. با در نظر گرفتن شرایط مهدی هاشمی بعد از خرداد ۸۸ و خروج او از کشور پس از دو ماه از این روی داد و عدم دست رسی بسیاری از دست گاه های امنیتی به وی و هم



ایران به صورت سیاه است. از سویی دیگر کشور مالزی نیز یکی دیگر از همین سرپل ها شناخته می شود که از طریق بنادر آزاد خود و به طور عمده از طریق بندر لابوان اقدام به فروش خارج از برنامه نفت ایران و انتقال مالی و پولی می کند. پس از ریودن آقای عباس یزدان پناه در ۲۹ ژوئیه حسین احمد نجدی بانک دار ایرانی تبار و بنیان گذار یکی از بانک های مشهور مالزیایی به نام AM Bank در کوالالامپور به ضرب گلوله کشته می شود. آقای نجدی یک بانک دار ایرانی بود و برخی منابع تایید نشده اظهار می کنند او در انتقال های مالی جمهوری اسلامی پس از افزایش تحریم ها و محدودیت بانک های ایرانی نقش داشته است. اگرچه این موضوع قابل تایید نیست اما این شرایط رقابت سنگینی را بین دست اندر کاران حوزه نفت شویی - پول شویی ایجاد کرده است. آیا کسانی دیگر از مرگ آقای

یزدان پناه می توانسته اند شادمان باشند؟ بی شک گروه زیادی از افرادی که با این مدیر شرکت هورتون در تماس بوده اند به دلیل نوع فعالیت شرکت و ارتباطات آن می توانسته اند از مرگ عباس یزدان پناه خیلی متأسف نباشند. به قول کسی از شرکت های نفتی رقیب تا یک حساب دار در جزیره سسیل می توانند جزو کسانی باشند که خبر مرگ آقای یزدان پناه آن ها را ناراحت نکند. اما به هر روی خبرها می گویند جسد آقای یزدان پناه در فجیره پیدا شده است. آقای یزدان پناه بسیاری از ناگفته ها را با خود برد. جایی به خاطر دارم در مجموعه فیلمی از بی بی سی به نام 'لبه تاریکی' که داریوس جدیگر آتاشه نظامی سفارت آمریکا در انگلیس به دوستش می گفت، دانستن مردن

چنین انتساب برخی از وقایع پس از انتخابات به وی، مهدی هاشمی یک عنصر مهم برای بسیاری از تندروهای داخلی بود. اول این که مهدی از نظر آن ها سر پل کنترل و هدایت بسیاری از جریان های بعد از انتخابات ۸۸ بوده و یافتن او و به نوعی تشبیه او یک فرصت مناسب برای تسویه حساب بوده است و از سویی مهدی فرزند یکی از وزنه های تصمیم گیرنده در داخل نظام بوده است که دست بر قضا خیلی هم دیدگاه های تمامیت خواهان هم

امر به سوی عوامل امنیتی داخل ایران بوده است. اما سوال این جا است که آیا عوامل امنیتی داخل ایران از زنده بودن او سود می جستند یا مرگش؟ عوامل امنیتی موازی و غیر موازی آیا از ریودن آقای یزدان پناه سود می بردند یا مرگ او بی شک انگشت نشانه از ابتدای امر به سوی عوامل امنیتی داخل ایران بوده است. اما سوال این جا است که آیا عوامل امنیتی داخل ایران از زنده بودن او سود می جستند یا مرگش؟ به نظر می رسد مرگ آقای

یزدان پناه اساسن نمی تواند روی داد مناسبی برای آن ها باشد. از طرفی این عنصر که خود حاوی اطلاعات ارزنده ای است کارکرد مناسبی برای رو کردن برگ برنده در زمان مناسب دارد و هم چنین تخلیه اطلاعات او و هم چنین شاهد زنده می تواند مفید باشد. در حالی که مرگ آن نه تنها دیگر کارکرد کلیدی نخواهد داشت بلکه باعث آن خواهد شد که یک دست گاه امنیتی وابسته به جمهوری اسلامی زیر سوال برود. تجربه ای که هیچ گاه برای جمهوری اسلامی بار مثبتی نداشته و برچسب تروریست بودن را پررنگ تر خواهد کرد. لذا شاید در بودن این منبع مطلع، نیروهای امنیتی بتوانند خوشنود باشند اما در مرگ اش بعید است. در همین ایام است که عباس عراقچی سخنگوی وزارت خارجه در خصوص بودن وی اظهار بی اطلاعی می کند و از سوی آقای هیگ وزیر امور خارجه انگلیس در اولین پیام خود به ایران بعد از تعطیلی سفارت کشورش در تهران نسبت به وضعیت آقای یزدان پناه ابراز نگرانی می کند و از همتای خود آقای صالحی درخواست پی گیری دارد. مهدی هاشمی شاید یک پتانسیل برای این رخداد باشد. وقتی در حال ارزیابی ابعاد این رخداد هستیم نمی توانیم از مهدی هاشمی یاد نکنیم. کسی که از دوران کودکی با او در ارتباط بوده است. سال ها با هم در تماس بوده اند. آن ها با هم ارتباط نزدیک

خوانی نداشته است. اما مهدی از این وضعیت با خروج از ایران در مرداد ۸۸ می جهد. او در خارج از کشور با پرونده یک دادگاه کانادایی که از سوی یکی از شرکای سابق خود مطرح می شود روبرو می شود. فشارهای دیگر نظیر انتشار گفت و گوهای شخصی وی به بیرون درز می کند و احتمالن روی دادهای دیگر اما این ها ظاهرن در شرایط او تغییری ایجاد نمی کند و حتا مهدی هاشمی به ایران باز می گردد. اگرچه بنا بر اطلاع یکی از مخالفان بازگشت مهدی به ایران همین آقای یزدان پناه بوده است. در این جا است که علی رغم حضور در دادگاه و فشارهای رسانه ای جناح های تندروا بعد از چند ماه آزاد می شود. دست بر قضا بار دیگر ستاره اقبال خانواده هاشمی علی رغم رد صلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی درخشیدن می گیرد و به مراتب این خطر یعنی خطر حضور هاشمی و خانواده او پررنگ تر می شود. این جا است که شاید اتهام نقش داشتن در قتل و بودن عباس یزدان پناه می تواند ضربه کاری به مهدی هاشمی و خانواده رفسنجانی باشد. رقیب های نفتی و یا کسانی که نگران درآمد پول های نفتی سیاه ایران بودند بسیاری معتقدند فجیره یکی از سرپل های مهم انتقال نفت خارج از برنامه ایران و محل فروش مجدد نفت های ایران است. کشور ایران امکان فروش بسیاری از محصولات نفتی خود را پس از افزایش تحریم ها ندارد و برخی بر این باورند که فجیره با توجه به امکان مناسب دلالتی نفتی بکمر از عمده مراکز با فروش نفت